

آری شود ولیک...

اعتبار به قیمت خرج چند هزار کلمه

سمیه نوروزی

چند روز پیش دوستی در یکی از محافل ادبی خبر داد که دارد اثر برندهٔ جایزهٔ گنکور ۲۰۱۶ را به فارسی برمی‌گرداند. هنوز جمله‌اش تمام نشده بود که دوستی دیگر پرسید کپی‌رایت اثر را گرفته است یا نه. جواب هرچه بود، بماند. اما بحث کپی‌رایت که سال‌هاست بحث بی‌نتیجهٔ دنیای ادبیات ایران است، این روزها کمی جدی‌تر شده. اگر پیش از این تنها دو سه ناشر حرفه‌ای یا تعداد انگشت‌شماری از مترجمین خود را ملزم می‌دانستند که حق نویسنده و ناشر خارجی را پرداخت کنند یا دست‌کم آن‌ها را در جریان بگذارند و اجازه‌ای نمادین بگیرند، حالا دیگر این ماجرا تبدیل به دغدغه شده و اجازه نگرفتن از نویسندهٔ اثر، ناشر و مترجم را زیر سوال می‌برد. از سویی دیگر، به اعتقاد ناشران، ماجراهای ممیزی خرید و فروش امتیاز را با مشکل مواجه می‌کند. اما سوال این است که بالاخره باید چه کرد؛ تا کی باید دست روی دست گذاشت تا ترجمه‌های متعدد از یک اثر بازار را اشغال و مخاطب را سردرگم کند؟

با این مقدمه و با تجربیاتم از کار در این زمینه با چند ناشر، سراغ تک‌تک مشکلات خواهم رفت و راه‌حل‌های احتمالی را پیشنهاد خواهم داد:

ممیزی اولین و مهم‌ترین نکته‌ایست که ناشران را از گفت‌وگو با نویسنده و ناشر اصلی اثر باز می‌دارد؛ اما تجربه نشان داده برای رسیدن به نتیجهٔ مطلوب، کافی ست صبوری به خرج دهیم و دست کم یکی دو ماه وقت صرف کنیم و حدود هفت هشت هزار کلمه ایمیل یا نامه بنویسیم دربارهٔ وجود وزارت با عنوان وزارت ارشاد، اداره‌ای به نام ادارهٔ کتاب، شغلی با عنوان ممیز و نظارتی به شدت سلیقه‌ای که امکان دارد باعث شود کتاب اصلاً از آن سازمان مجوز انتشار نگیرد. عجله نکنید. با اولین پاسخ متوجه می‌شوید ماجرا برای طرف خارجی شما جا نیفتاده. چون مدام می‌پرسد تاریخ تقریبی چاپ اثر را بگویید. دوباره باید توضیح دهید که در ادارهٔ مزبور **زمان** امر مهمی به حساب نمی‌آید و شما به هیچ وجه نمی‌توانید پیش‌بینی کنید که کتاب کی از ممیزی بیرون می‌آید. پاسخ بعدی باز هم **زمان** است. ناشر خارجی سعی می‌کند با تغییر بازهٔ تقریبی انتشار اثر از یک هفته به یک ماه و بعد به سه ماه به شما کمک کند. اما باید باز هم با صبر و تحمل برایش توضیح دهید و مثال بیاورید از کتاب‌هایی که سال‌ها در وزارت ارشاد خاک می‌خوردند و یک‌هو به‌صورتی کاملاً ناگهانی مجوز گرفته‌اند. بنابراین حرف از **بازهٔ زمانی انتشار کتاب** کلاً بی‌مورد است. ناشر کمی فکر و مشورت می‌کند و این‌بار

کمی دیرتر جواب نامه شما را می‌دهد. اما بالاخره پاسخ مثبت را از ناشر دریافت می‌کنید مبنی بر این‌که هرگاه مجوز انتشار اثر از اداره کتاب آمد، امتیاز کتاب قطعاً به شما تعلق می‌گیرد. بعد از شما می‌خواهد که با پرداخت حق انتشار اثر، این امتیاز را به نام خودتان ثبت کنید. پرداخت مبلغ، هرچقدر که باشد، باز هم تا زمانی که مجوز کتاب نیاید، خرجی ست باطل. پس ناشر را راضی می‌کنید که تعیین بازه زمانی انتشار اثر و پرداخت مبلغ را موکول کند به زمانی که ترجمه اثر، مجوز می‌گیرد. ناشر خارجی موافقت می‌کند، در بهترین حالت چند ماه بعد مجوز کتاب می‌آید و شما نامه‌ای می‌نویسید و درخواست می‌کنید متن قرارداد را برایتان بفرستند؛ متنی چند صفحه‌ای که یکی از بندهای آغازینش همان بند تکرارشونده بازدارنده است مبنی بر این‌که ناشر ملزم است اثر را بی هیچ جافتادگی و تغییر منتشر کند و هرگونه دست بردن در اثر ملزم به کسب اجازه از نویسنده است. بند آخر قراردادهای کپی‌رایت نیز معمولاً تأکید کرده که در صورت زیر پا گذاشتن هر یک از مفاد، سر و کار خواهان و خواننده با دادگاه‌های کشور مبدأ است. به زبان ساده‌تر یعنی خرید رایت کتابی که ممیزی درش اعمال شده با امضاء قراردادی که تأکید دارد متن باید بی هیچ جافتادگی و تغییر و دست بردن در اثر منتشر شود، پای ناشر ایرانی را به دادگاه‌های خارجی می‌کشاند. از طرفی، گزارش واژه‌به‌واژه تغییرات اعمال شده در متن و جملات حذف شده یا احیاناً صفحات سانسور شده نیز کاری ست زمان‌بر و طاقت‌فرسا و نیازمند اعصابی پولادین، ضمن این‌که بار عذاب وجدان سانسور اداره مزبور نیز در این لحظه کاملاً بر گرده شماست. بنابراین راهی ندارید جز این‌که دوباره مکاتبه کنید و شرایط اخلاقی، مذهبی و سیاسی کشورتان را کاملاً توضیح دهید و این‌که بعضی کلمات و عبارات و اصطلاحات اروتیک تا چه حد ممکن است به فرهنگ ما آسیب برساند. ناشر اصلی بالاخره درخواست شما را می‌پذیرد و بند مربوط به سانسور را در قرارداد شما تغییر می‌دهد؛ به عبارت دیگر، ناشر خارجی علاقه دارد و ترجیح می‌دهد با وجود ممیزی، اثرش به زبانی دیگر و در کشوری دیگر منتشر شود. بنابراین، اولین و مهم‌ترین راه نه تنها از پیش پای شما و ناشرتان برداشته می‌شود، بلکه بزرگ‌ترین بهانه نیز از مقابل مخالفین تن دادن به قانون جهانی کپی‌رایت کنار می‌رود.

پس از تغییر یا حذف بند مربوط به ممیزی اما، ناگهان با قیمت پیشنهادی ناشری مواجه می‌شوید که توجیه نشده تیراژ کتاب را در ایران نباید با سایر کشورها مقایسه کند. ضمن این‌که ایران اصلاً عضو کنوانسیون برن نیست و در همین لحظه که شما وقت و انرژی و هزینه

گذاشته‌اید تا با ناشر خارجی سر امتیاز اثری به توافق برسید، چند ناشر و مترجم در حال ترجمه همین اثرند و هیچ مشکلی هم ندارند. در این مرحله برخوردهای متفاوتی از ناشران مختلف دیده شده. بعضی ناشران از چانه‌زنی خوش‌شان می‌آید و پله‌پله قیمت را پایین می‌آورند، بعضی دیگر آب پاکی را روی دست شما می‌ریزند که یک درصد هم تخفیف نمی‌دهند، برخی به کپی‌رایت نمادین رضایت می‌دهند و تعدادی نیز از شما می‌خواهند که قیمت پیشنهادی‌تان را با تیراژ مشخص اعلام کنید. با ناشری که تخفیف نمی‌دهد نیز دو راه برخورد دارید: یا خرید رایت آن‌قدر برای ناشرتان مهم است که با قیمت پیشنهادی کنار می‌آید، یا چند هزار کلمه دیگر خرج توضیح پایین آمدن آمار کتاب‌خوانی در جهان و به تبع در ایران می‌کنید که تجربه نشان داده موفق می‌شوید. البته که راحت‌ترین راه، راه سوم یعنی انصراف است!

تا این جا بند سانسور طبق شرایط کشور شما تغییر کرده، مبلغ و تیراژ طبق شرایط کتاب‌خوانی در کشور شما مشخص شده، زمان تقریبی انتشار را نیز با امید به متعهد بودن ناشر و خوش‌قول بودن ویراستار و بالا نرفتن ناگهانی قیمت کاغذ اعلام کرده‌اید.

یکی دیگر از بندهای قرارداد کپی‌رایت، درخواست **واریز مبلغ** به واحد پول کشور مبدأ و به حساب آن انتشارات باز هم در بازه زمانی مشخص (معمولاً شصت روزه) است. تأخیر در پرداخت نیز طبق معمول مشمول جریمه می‌شود. باز هم مشکل؛ اما **تحریم بانکی** دیگر واقعاً به ناشر اثر ربطی ندارد. به وزارت ارشاد و اداره کتاب هم مربوط نمی‌شود. کلاً به کسی ربطی پیدا نمی‌کند. تنها کمک ناشر اصلی به شما این است که بازه را کمی بازتر کند و به شما وقت بدهد مشکلی را که ربطی به کسی ندارد، به تنهایی حل کنید. کمی فکر کردن می‌خواهد و رو انداختن. کافی ست دوستی، آشنایی، خویش‌وقومی یا همکاری در هر کشور دیگری جز ایران داشته باشید و از او خواهش کنید مبلغ را بپردازد، از فیش ارسالی‌اش عکس باکیفیت بگیرد و برای شما ایمیل کند.

جزئیات دیگری نیز در هر قراردادی وجود دارد که بسته به بزرگ و کوچک بودن ناشر خارجی و اسم‌ورسم‌دار بودن یا نبودن ناشر ایرانی و بست‌سلر بودن نویسنده و اعتبار مترجم تغییر می‌کند. حل این جزئیات و کنار آمدن با چروکیده شدن متن قرارداد پست‌شده در اداره پست کشورمان، در مقابل مشکلاتی که از پیش پای‌تان برداشته‌اید، اصلاً کار سختی نیست. تخصص مشاوران بخش رایت ناشر خارجی و ایرانی، نیز پشتیبانی همه‌جانبه ناشر ایرانی، از شروط اصلی به سرانجام رسیدن قرارداد است.

لازم به توضیح است که قطعاً هدف از نوشتن این مطلب، تشریح مصائب عقد قرارداد کپی‌رایت با ناشران خارجی نیست؛ هدف تنها و تنها این است که بدانیم در بدترین شرایط نیز می‌شود سخت‌ترین کار را انجام داد. و البته که این سخت‌ترین، در پنجمین یا ششمین تجربه راحت‌تر خواهد شد و با شروع مکاتبات، تشکیل پرونده، ثبت سوابق، شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی جهان و ارتباط رو در رو با ناشران، مشکلات رفته‌رفته از بین خواهد رفت.

